



مبانی انسان شناسی
از منظر قرآن و شعرای صوفیه

مؤلفان:

محمد یاری

حسین یاری



نشر راشدین

سرنشانه	: باری، محمد، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: مبانی انسان‌شناسی از منظر قرآن و شعرای صوفیه/ مولفان محمد باری، حسین باری.
شابک	: ۱۰۰۰۰۰ ریال 6-312-978-600
مشخصات نشر	: تهران : راشدین، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۳ص.
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۳۱] - ۱۱۳۳ همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع	: انسان (عرفان)
موضوع	: (Man) (Mysticism)*
موضوع	: انسان در ادبیات
موضوع	: Human beings in literature
موضوع	: انسان‌شناسی -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Anthropology-- Quranic teaching
موضوع	: انسان (اسلام)
موضوع	: Theological anthropology -- Islam
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۸۳
رده بندی کدنگره	: BP۲۸۷/۲:۲م۲ ۱۳۰۰
شناسه افزوده	: باری، حسین، ۱۳۵۴ -
وضعیت فهرست نویسی	: ۴۰۳۰۳۱
شماره کتابشناسی ملی	

■ انتشارات راشدین

■ عنوان کتاب: مبانی انسان‌شناسی از منظر قرآن و شعرای صوفیه

■ مؤلفان: محمد باری - حسین باری

■ ویراستاران: ثریا ویسی - آذر ارشدی

■ نظارت فنی: راهب عارفی

■ طراح جلد: افسانه حسن‌بیگی

■ چاپ و صحافی: ناژو

■ نوبت چاپ: اول-۱۳۹۵

■ شمارگان: ۱۰۰۰

■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۱-۳۱۲-۶

■ قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

■ نشانی: میدان انقلاب - کارگر جنوبی - بن‌بست گشتاسب - پلاک ۴ واحد ۶

■ تلفن / نامبر: ۶۶۴۰۸۲۲۴ - ۶۶۱۲۳۴۴۹

■ پایگاه اینترنتی:

■ پست الکترونیک:

www.rashedin.info

Email: rashed1829@yahoo.Com

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۵	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۳	فصل اول: تاریخچه تصوف
۱۳	تاریخچه تصوف
۱۴	مبدا تصوف اسلامی ایران
۱۶	مسیر پیدایش تصوف در ایران بعد از اسلام
۱۶	تصوف در قرن اول و دوم هجری قمری
۱۶	تصوف در قرن سوم هجری قمری
۱۷	تصوف در قرن چهارم و پنجم هجری و قمری
۱۸	تصوف در قرن شش و هفتم هجری قمری
۱۹	تصوف در قرن هشتم و نهم هجری قمری
۲۰	صوفیان کیستند
۲۶	صوفی از دیدگاه بزرگان اسلام
۲۶	صوفی از دید عطار
۳۷	فصل دوم: انسان، آفرینش فلسفه خلقت
۳۷	چرا باید انسان را شناخت؟
۴۲	آفرینش از دید صوفیه
۴۷	فصل سوم: معمای وجود انسان
۴۸	نگرش جامع به انسان از دیدگاه صوفیان
۴۸	ویژگی‌ها و مختصات انسان
۵۷	انسان از نظر لفظ و معنی
۶۴	انسان میان دو بینهایت
۷۹	تهذیب نفس
۸۱	در احوال دل از اقوال بزرگان
۸۹	فصل چهارم: انسان کامل
۸۹	تاریخچه انسان کامل
۹۲	انسان کامل
۹۲	انسان از دیدگاه ابن عربی

۹۴	 انسان کامل از دید مولای روم
۹۷	 انسان و جهان
۱۰۰	 خدا و انسان
۱۱۲	 انکار کردن موسی (ع) بر مناجات چوپان
۱۲۲	 منازل کمال عطار
۱۲۴	 وادی عشق
۱۲۴	 حکایت عاشق و معشوق
۱۲۵	 وادی معرفت
۱۲۶	 وادی استغنا
۱۲۷	 وادی توحید
۱۲۷	 وادی حیرت
۱۲۸	 وادی فقر و فنا
۱۳۱	 فهرست منابع و مآخذ

www.ketab.ir

پیشگفتار

از هر سفری که رفتیم جز وحشتم نیفزود

زنهار از این بیابان وین راه بی نهایت

این راه را نهایتاً صوابی کجا توان بست

کش صد هزار منزل بیش است در بدایت

(حافظ)

با سپاس و امتنان از حضرت منان کعبه ما توفیق علم و عمل عنایت فرمود و بر این باور رسولی بر ما فرستاد تا مظهریت [وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ]^۱ در ما جلوه گر باشد و نیز با عرض درود و تحیت بر رانندگان علم و ادب و هنر که با قدم رنجگی خود در وادی دانش، قلم فرسایی فرمودند، راه را بر راهروان طریق تحقیق هموار ساختند و ما نیز از راه دعا عزت مستانمان را از حضرت مستعان بر حق خواهانیم.

^۱ سوره آل عمران، آیه ۱۶۴

هرگاه سخن از انسان کامل به میان می آید رهوار خیال به وادی آفرینش می تازاند و به تجسم و تصور این اندیشه می پردازد که هدف از خلقت چیست؟ و آفرینش انسان از پی چیست؟

و در این راستا حاشیه هایی نیز در احوال خدا، انسان، بار امانت و عشق الهی و وصال دیده می شود.

هنگامی که در عالم ذر، کوس آفرینش انسان شنیده شد این باور در او دمیده شد که حامل بار امانت الهی که آسمان و زمین و مافیها را پذیرش آن عاجز بودند می باشد. و بر این باور بود که تبار الهی در انسان آفریده شد و او را معمای هستی قرار داد که گاه به جایی رسید که [إِنَّا قَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى] ^۱ که فرشته راه نداشت و گاهی نیز به واسطه قصور در امر، به منزل [كَالْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ] ^۲ تنزل یافت.

آنچه از معنای بار امانت الهی درک می شود، علما و عرفا و بزرگان علم و دین هم بر این باورند که چیزی جز معرفت نیست و وظیفه انسان از آمدنش که رفتن را به دنبال دارد، همین شناخت و معرفت حق است. از آن به انفع المعارف تعبیر می کنند. شاید اساسی ترین نکته اعتقادی دین همین تحقق در معرفت خدا و جهان و در نهایت آفرینش که ابتدا از «خود شناسی» شروع می شود و با سیر در آثار صنع به خدا شناسی منجر می گردد. آن گاه مظهر واقعی این فرموده شریف می گردد که «من عرف نفسه فقد عرف ربه».

ما نیز به خاطر اهمیت موضوع انسان که در آثار نثر و نظم پارسی و به خصوص نمونه بارز که در آینه اشعار عارفانه و صوفیانه بارها و بارها تجلی نموده است و ما

^۱ سوره نجم، آیه ۹

^۲ سوره الاعراف، آیه ۱۷۹

آن را با نام‌هایی از قبیل، پیر، مرشد، ولی، خضر، و... می‌شناسیم در مقام توضیح انسان و شخصیت او و نیز شناساندن ویژگی‌های او برآمدیم و در این راستا به معرفی «روح» عالیت‌ترین عنصر وجودی انسان، «دل» که آینه‌ی تمام‌نمای جمال حق است و «نفس» انسان که گاه انسان را به وادی «خلیفه الهی و گاه به اسفل السافلین» رهنمون می‌سازد پرداخته‌ایم. و در مورد انسان و آفرینش دیدگاه‌های بزرگان معرفت و تصوف را یاد آور شده‌ایم و نیز فلسفه آفرینش را از دیدگاه قرآن با ذکر آیات متذکر شده‌ایم. و در مورد آفرینش، روح و انسان از دیدگاه تصوف به تفصیل بحث نموده‌ایم و اتوالی را نیز ذکر کرده‌ایم.

مسئله بعدی که حائز اهمیت است «تصوف» است که این شیوه نیز با «معرفت» که بار امانت است پیوند دیرینه دارد. چرا که یکی از راه‌های شناخت خداوند راه دل است که جهان بینی آن نیز عرفانی خوانده می‌شود. همین طریق شناخت که مجاهده و ریاضت و سلوک ظاهری را می‌طلبد بعدها منجر به پیدایش خرقة پوشانی شد که در نهایت کهنه پوشی، باطنی بس و بی‌پیرایه داشتند و طریق تصوف را بنیاد نهادند.

از آنجایی که هر گروهی در راه وصال، طریقی بر می‌گزیند و وصول به حصول ببینند اینها نیز با مجاهده و تهذیب نفس این راه را پیمودند و رنگانی را چون بایزید، بصری و... تقدیم نمودند که این‌ها را مظهر انسان کاملی دانستند و ما نیز بر آنیم. و این بزرگان نیز صاحبان آثار گرانقدری شدند که امهات صوفیه نام گرفته‌اند و در آثارشان نمونه‌های انسان کامل با ویژگی‌هایی به چشم می‌خورد. که ما نیز هر جا ضرورت داشته است آن شواهد را نقد کرده‌ایم.

و از آنجایی که تصوف انسان کامل آئینه اشعار و آثار پارسی بارها جلوه داشته و دارد ما نیز به سیر پیدایش تصوف در ایران بعد از اسلام و نقش افکار صوفیانه در زندگی اجتماعی که احترام به انسانیت و تعلیم آزادی و انتخاب و صفا و بی‌ریایی و دفع ظاهر پرستی را در پی دارد، پرداختیم و گاه، نیز برخی از بزرگان صوفیه را با آثارگران قدرشان معرفی نموده ایم و هدف از نگارش این اثر شناخت انسان از دیدگاه صوفیه و معرفی آن از زبان صوفیان بزرگ و نیز ذکر ویژگی‌های ممتاز انسانی است و است آن از این لحاظ است که سایه‌ای پهن‌آور در ادب پارسی دارد.

مقدمه

آن هنگام که معمار هستی با قدرت لایزال خود طرح آفرینش کائنات را پی افکند و کاخ وجود برافراشت، انسان را به عنوان جانشین و امین خود بیافرید و بدین سازندگی و همکاری و همکاری خویشتن را به صفت احسن الخالقین ستود. مطابق بیان قرآن، انسان به نیکوترین صورت خلق شد و با پذیرش بار امانتی که آسمان ها، زمین و کوه ها از قبول آن انان کردند و سرباز زدند، با پاسخگویی به خطاب الست بر بکم مسجود فرشتگان گردید. بزک شهر آیات الهی و اشرف مخلوقات شد. پس انسان نمونه کامل خلق الهی است که به زیور [وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي]^۱ آراسته شده است.

بنابراین آینه تمام نمای اوصاف خداوندی می باشد. در روایات آمده است که خداوند آدم را به صورت خویش آفرید. با پیدایش انسان گنجینه ی فیض ازلی به منصه ظهور رسید و خدای نموده شد. «كنت كنزا مخفيا» بیت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف»^۲.

انسان موجودی به ظاهر کوچک ولی در باطن عظیم، قدم بر عرصه هستی نهاد. چون مراد و حکم یزدان غفور بود در قدمت تجلی و ظهور

^۱ سوره حجر، آیه ۲۹

^۲ بحار الانوار، جلد ۸۴، ص ۱۱۹.

پس خلیفه ساخت صاحب سینه ای تا بود شاهیش را آینه ای^۱
 آدم اسطرلاب گردون علسوست وصف آدم مظهر آیات اوست
 هر چه در وی می نماید وصف اوست همچو عکس ماه اندر آب جوست^۲

انسان پوینده ای متکامل، که همیشه از واقعیات ها به حقایق و از آنچه که هست به آنچه که باید باشد، گرایش دارد و اگر بد بین و تیره اندیش نباشد و به نظام و غایتی در جهان هستی و آفرینش کائنات معتقد باشد، همه وقت در آینه آرزوهایش، تصویری از کمال مطلوب و زندگی دلخواه مجسم است، تصویری که او را برای نیل به زندگی و کمال به تلاش و تکاپو وا می دارد و همواره در گوش جانش این نغمه را زمزمه و تکرار می دهد که:

گر چه منزل بس خطرناک است و قصد بس بعید

هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور^۳

شاعران صوفی که به وضع وجود و به جهان آنچه در او هست، با دیدی ژرف تر می نگرند و از رقت احساس و روحی لطیف برخوردارند.

بر این باور هستند که انسانها غالباً در آرزوی خانه حقیقی خویش هستند و همواره به یاد آن ایام و مکان که در مقام متعالی ازلی خویش منزل داشتند، می باشند.

ما به فلک بودیم، یار ملک بوده ایم

باز هم همان جارویم، جمله که آن شهر ماست^۴

^۱ مثنوی معنوی، دفتر ششم.

^۲ همان، ص ۱۱۹۵

^۳ دیوان حافظ شیرازی، ص ۱۷۳

^۴ دیوان شمس، ۴۶۳

به نظر متفکران صاحب‌دلی چونان «مولانا جلال‌الدین مولوی» که به جدایی نی، روح آدمی از نیستان وجود قائل اند و انسان را «مرغ باغ ملکوت» و آشیان اولیه او را «عالم علوی» و «فردوس برین» می‌دانند و می‌پندارند که روح بشر در این جهان چند روزی در قفس تنگ اسیر شده است و سرانجام با شکستن در زندان جسم و رهایی از عالم خاک، به افلاک و تاب‌ر دوست پرواز خواهند کرد و به آشیانه خویش مراجعت خواهند نمود، برترین آرمان اینان، چیزی جز اشتیاق بازگشت به موطن اصلی و گذشتن از آنچه که هست و رسیدن به آنچه باید باشد، نیست.

ما بر آنیم که «انسان» را در آینه آثار صوفیانه ی نظم و نثر پارسی بشناسانیم و سیر صعودی و نزولی شخصیت وی را که گاه در قالب «خلیفه الهی» و گاه در مقام «اسفل السافلین» جلوه می‌کند، بررسی کنیم و در این راه از نیروهای تحریک‌کننده و نیز بازدارنده؛ انسان در این مسیر نیز با تنگ‌نایم برای بهتر شناختن ماهیت عالی وجود او به بررسی آثار صوفیه و طریق تصوف می‌پردازیم و در این راه مستنداتی از بزرگان این طریق ذکر خواهیم نمود. هم‌چنین در مورد تأثیر نقش افکار صوفیانه در زندگی اجتماعی سخن خواهیم گفت، بر سر آنیم که اگر توفیق باشد هدف از خلقت از دیدگاه قرآن و نیز جلوه ی آن در آینه ی آثار صوفیه را در خاندان بنمایانیم که صوفیان چه جوابی برای خلقت و هدف دار بودن آن دارند. با مشخص نمودن هدف از خلقت و آوردن مشاهیری از کلام صوفیان به بررسی ابعاد وجود انسان که نقش بسزایی در تکامل معنوی شخصیت او دارند، می‌پردازیم. از آن جمله جسم با روح و یا این که هر دو را مطرح می‌کنیم. در باب روح علاوه بر ذکر نظر صوفیان مشهور از قرآن مجید نیز استفاده می‌جوییم تا به دل که قالب اصلی روح خدایی است برسیم و نقطه مقابل روح بلند انسان که «نفس»

می باشد بررسی خواهیم کرد و در اثنای آن مراتب نفس را که گه «راضیه مرضیه» هست و گاه «اماره بالسوء» شناسایی خواهیم کرد.

و در پایان از همه ی این ها نتیجه ای خواهیم گرفت که بتوانیم شرایط و ویژگی های اصلی انسان کامل را بشناسانیم و آن را از کلام بزرگان متصوفه در یابیم.

در پایان دست دعا به درگاه باری تعالی بلند می کنیم و او را در انجام این امر موافق می خواهیم و امید است سیاهه ای که تقدیم می گردد، با توجیه برگ سبز بودنش مقبول نظر صاحبان خد و وفا افتد. و قصور ما را با دیده ی اغماض بنگرند و با بخشش کریمانه ی خویش بر ما نگیرند.